

# بخش اول

## مبانی و اهداف

### الف. مبانی

روش‌شناسی استنباط آموزه‌های تربیتی در آینه سیره و کلام امام علی(ع) / حجة الاسلام والمسلمین علی‌رضا اعرافی - جستاری در حدود مسئولیت تربیتی دولت اسلامی در دوران معاصر بر اساس کلام و سیره امام علی(ع) / حجة الاسلام دکتر علی‌رضا صادق‌زاده قمصری - بررسی رابطه حکومت و تربیت از دیدگاه امام علی(ع) / دکتر رحمت‌الله مرزوقی - موضع حکومت علوی در تربیت دینی؛ حساسیت یا بی‌تفاوتی؟ / حجة الاسلام سیدصادق موسوی - سیمای زن در نهج‌البلاغه و دلالت‌های تربیتی آن / امیرحسین بانکی‌پورفرد - کرامت در اسلام با تأکید بر دیدگاه امام علی(ع) / دکتر علی‌اصغر احمدی - نقش تربیتی دنیا از دیدگاه امام علی(ع) / حجة الاسلام اصغر اخوی

### ب. اهداف

غایت‌شناسی تربیت علوی / دکتر جمیله علم‌الهدی - تربیت بر مدار توحید با الهام از سیره و کلام امام علی(ع) / حجة الاسلام هادی رزاقی - ابعاد و قلمرو اهداف تربیتی با تأکید بر آموزه‌های انسان‌شناختی امام علی(ع) / دکتر سیدمهدی سجادی - ثمره تربیت از دید نهج‌البلاغه / دکتر علی قائمی



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

**روش‌شناسی استنباط آموزه‌های تربیتی  
در آینه سیره و کلام امام علی (ع)**

حجة الاسلام والمسلمین علیرضا اعرافی

(ریاست پژوهشکده حوزه و دانشگاه)

## مقدمه

در نوشتار حاضر بررسی و کشف قواعد و روش‌های استنباط آموزه‌های تربیتی از کلام، مرام، رفتار و گفتار امام علی علیه السلام به مناسبت برگزاری همایش تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام در سال بزرگداشت آن پیشوای صالحان و عارفان مطمح نظر است. این مهم هنگامی به درستی حاصل خواهد آمد که به روش‌شناسی پژوهش در این زمینه عنایت و توجه شایسته معطوف شود. در این مجال کوتاه، برای گشودن باب بحث و بررسی به چند نکته مهم اشاره می‌شود:

۱- تفکیک تربیت و اخلاق: تعلیم و تربیت و علوم تربیتی از یک سو و اخلاق از سوی دیگر، گرچه دارای مبادی و مبانی مشترک و مرتبطی‌اند، اما غفلت از تمایز و تفاوت آن دو، امری ناپسند و مغالطه‌آفرین است. در دانش اخلاق، نگاه بالذات و نخستین، به فضیلت و رذیلت و خودسازی است و همه بحث‌ها و مسائل بر محور «خویشتن‌سازی» و چگونگی به چنگ آوردن فضیلت‌ها و به کنار نهادن رذیلت‌ها دور می‌زند؛ اما در تربیت - به معنای اصطلاحی و خاص آن - هر بحث و مسئله‌ای، پیرامون «دگرسازی» و اثرگذاری بر روان و رفتار دیگران و متربیان دور می‌زند. این دو ساحت گرچه در بخش مهمی از مبانی و اهداف کلی تقارن می‌یابند، اما در قسمت عمده‌ای از اصول و روش‌ها و نیز نوع نگاه، زاویه دید و حیثیت بحث، از یکدیگر فاصله می‌گیرند. غفلت و چشم‌پوشی از این نکته، مایه ابهام‌ها و تاریکی‌های فراوانی به ویژه در کتب اخلاق و نیز مباحث تربیت اسلامی شده است و جداسازی آن‌ها می‌تواند پرتوی روشن‌تر بر عرصه تحقیق در مسایل تربیت اسلامی بیافکند.

از این رو در بررسی‌های تربیتی در نهج البلاغه و سیره امام علیه السلام، باید به تفکیک قلمرو مسایل

مرتبط با اخلاق و خودسازی از مسایل مربوط به تربیت و دگرسازی، اهتمام خاص ورزید.

## ۲- روش‌های بررسی متون دینی

به منظور دسترسی و کشف گزاره‌ها و نظریه‌های تربیتی از نظرگاه هر متفکر و مربی، از چند روش و شیوه می‌توان بهره جست.

۲.۱. تفسیر متن. در این روش به متن و مفاد سخن و کلام مربی مراجعه شده، همه گزاره‌ها و توصیه‌های وی در قلمرو تربیت، مورد توجه، بررسی و تفسیر قرار می‌گیرد. مثلاً در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام به نهج البلاغه مراجعه و سخنان و توصیه‌های تربیتی حضرت در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها، مانند وصیتنامه به امام حسن علیه السلام، تفسیر و بر اساس آن اصول و مبانی و روش‌های معینی کشف می‌شود.

تفسیر متن، مبتنی بر اصول و قواعدی است که در علم اصول فقه\* از آن بحث شده است و چندین نوع برای آن تصور می‌شود\*\*.

۲.۲. تحلیل گفتار. مقصود از تحلیل گفتار، در برابر تفسیر متن، تحلیل کلام و سخن مربی از لحاظ بررسی نقش و عملکرد گوینده و متن در مقام تربیت و اثرگذاری بر مخاطبان است. به عنوان نمونه یک بار به نامه ۳۱ و وصیتنامه مولا به فرزندشان مراجعه می‌کنیم تا بنگریم که ما را به چه اصول و روش‌های تربیتی توصیه می‌کند - روش تفسیر متن - و بار دیگر از منظر بیرونی شیوه تربیتی و اثرگذاری گفتار حضرت در این وصیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم و در واقع به محتوای گفتار نمی‌نگریم، بلکه به حالات گوینده، چگونگی کلام، خصوصیات مخاطب و آثار پیام می‌پردازیم که این گونه نگرش درجه دوم را «تحلیل گفتار» می‌نامیم.

هنگامی که از منظر تربیتی به هر متن دینی و از جمله نهج البلاغه بنگریم، با روش تفسیر متن، گزاره‌های معین و محدودی که حاوی مطلبی در باب تربیت باشد، در دایره بحث داخل می‌شود؛ اما با روش تحلیل گفتار، به مفهومی که گفته شد، دایره بحث بسی گسترش می‌یابد؛ چرا که بیشتر خطبه‌ها و نامه‌ها در مقام تربیت و هدایت و سازندگی دیگران صادر شده است و دقیقاً از این رو می‌توان اصول و قواعد حاکم بر گفتار تربیتی امام را تحلیل و بررسی نمود. مثلاً این که در وصایای حضرت بر چه محورها و محتوایی بیشتر تأکید می‌شود؟ از کجا آغاز و به کجا می‌انجامد؟ و از چه روش‌ها و شیوه‌های تأثیرگذاری بهره‌گیری می‌شود.

به کار بستن این روش در متون دینی که شأن و نقش تربیتی و هدایتی دارند، می‌تواند

\* تذکر این نکته لازم است که مطالب مطرح در علم اصول فقه (به ویژه مساحت الفاظ) در گستره فرائری از استنباط فقهی کاربرد دارند.

\*\* دانش پژوهان تربیتی علاقه‌مند آشنایی با این اصول و قواعد می‌توانند به منابع مربوطه، از جمله: «اصول مظفر» (ترجمه)، «حلقات شهید صدر» (ترجمه) و «روش‌شناسی تفسیر قرآن» مراجعه نمایند.

راهگشای ابواب جدید در ساحت‌های گوناگون تربیت باشد و البته میزان و چگونگی اعتبار و حجیت این روش، به مباحث گسترده‌تر و بنیادی‌تر بستگی دارد.

۲.۳. رفتارشناسی. دو راه پیشین به متن و گفتار منقول از هر معصوم و تفسیر و تحلیل آن اختصاص داشت. در این روش به بررسی رفتارها و سیره‌های عملی پرداخته می‌شود و از آن‌جا که امام علی علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم دارای نقش الگویی‌اند و علاوه بر این نکته عام، برخی از اعمال آنان به ویژه در موقعیت تربیتی از آنان سر زده است، تأمل و مذاقه در سیره تربیتی آنان، راهنمای کشف قواعد و روش‌های تربیتی از دیدگاه آنان خواهد بود.

در سیره پاک و نورانی مولا علیه السلام نیز فعالیت‌ها و فرآیندهای جذاب و مهم تربیتی یافت می‌شود که از طریق تحلیل و تفسیر آن، امکان دسترسی به اصول و روش‌های تربیتی آن بزرگوار، حاصل می‌شود. البته بحث از اعتبار و دلالت این شیوه فرصتی دیگر می‌طلبد<sup>۱</sup> و تنها بر این نکته تأکید می‌ورزیم که در سیره‌شناسی تربیتی اولاً باید نگرش مجموعی داشت و رفتارها را مکمل هم و با انضمام سخنان مولی ارزیابی نمود و ثانیاً به شرایط و اوضاع و احوال صدور آن رفتار عنایت ورزید و از آن غفلت نکرد.

۲.۴. بررسی نتایج رفتار و بازشناسی شخصیت پرورش یافتگان. شیوه دیگر در طریق معرفت اندیشه‌های هر مربی، ارزیابی نتایج عینی و ملموس فعالیت‌های وی و بازشناسی پرورش یافتگان مکتب او و دست پروردگانش در خانه و جامعه است؛ زیرا این امر نمود و ظهور دیگری از شأن تربیت وی خواهد بود.

در خصوص امیرمؤمنان علیه السلام؛ علاوه بر سخنان و سیره مولی علیه السلام، با خیل عظیم شاگردان و اصحاب وی و بازتاب‌ها و نتایج اعمال تربیتی حضرت مواجهیم که می‌توان با شناخت آنان، به زوایای دیگری از شیوه و راه تربیتی آن امام همام دست یافت.

در مروری گذرا بر تحقیقات تربیتی رایج در مباحث تربیت اسلامی، می‌توان به این نکته رسید که از میان چهار روش مطرح شده در این مقام، کاربرد روش اول و تا حدودی روش سوم معمول‌تر است؛ اما استفاده از روش سوم و چهارم امری مغفول عنه است که شایسته توجه بیشتر تربیت پژوهان این باور است.

۳. نکته مهمی که نباید مورد غفلت واقع شود، تفاوت امامان و پیشوایان معصوم با سایر متفکران و مربیان است؛ چرا که هر متفکری دارای هویت مستقل و ناپوسته به دیگران است، در صورتی که از دیدگاه دینی، اهل بیت و ائمه علیهم السلام اولاً مفسران وحی و قرآن و شریعت‌اند و ثانیاً

۱. برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر.ک: مقدمه نگارنده بر کتاب «سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره تربیت فرزندان» (زیر چاپ پژوهشکده حوزه و دانشگاه) و مباحث درسی نگارنده پیرامون اعتبار و کاربرد سیره در تربیت (ارایه شده در مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام).

همه در حکم واحد و به هم پیوسته‌اند، و از این رو در روش اجتهادی و استنباطی، کلام و رفتار آنان کلام و سیره شخص واحد تلقی شده و به صورت یک مجموعه و کل واحد نگریسته می‌شود. بنابراین، پیش فرض اعتبار نهایی و حجیت آرای تربیتی هر یک از پیشوایان و أسوه‌ها، تلقی آنها به عنوان نظریه اسلام است و آن هم در گرو با هم دیدن و جمع همه گزاره‌های مرتبط با موضوع مشخص از همه ائمه علیهم‌السلام خواهد بود.

از این رو، هر آنچه در باب تربیت و هر موضوع دیگری از نهج البلاغه استفاده شود، در واقع وقتی به عنوان نظر اسلام اعتبار دارد که با مفاد و دلالت همه سنن معتبر معصومان علیهم‌السلام و نیز معانی آیات قرآن درباره همان موضوع هماهنگی داشته و همه آنها در مجموعه‌ای واحد جمع‌بندی و تفسیر شود.

سؤالی که ممکن است در این جا مطرح شود این است که با این وصف، دلیل جستجوی مسئله‌ای خاص در کلام یکی از ائمه علیهم‌السلام و منصوب نمودن حاصل جستجو به ایشان چیست؟ پاسخ به این پرسش را باید در برجسته‌تر بودن آن موضوع در کلام یکی از امامان یافت. چنان چه محور ویژه‌ای در کلام امام معین نمایان‌تر باشد و گزاره‌های بیشتری پیرامون آن به چشم بیاید و در سخنان دیگر معصومان علیهم‌السلام نمود و بروز کمتری یافته باشد، این امر می‌تواند موجب طرح موضوع از دیدگاه آن امام و انتساب نتایج به وی باشد؛ گر چه در واقع همان نظر اسلام است و برای اطمینان از اعتبار نهایی آن، به تفحص در سایر احادیث دیگر معصومان نیز باید دست بازید. توضیحات بیشتر درباره این نکته را در خصوص سیره و کلام امام علی علیه‌السلام در فراز بعدی متذکر می‌شویم.

۴. از آنجا که در حدیث و سنت امام علی علیه‌السلام به تناسب عصر آن حضرت، مسایل اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی از جایگاه ممتازی برخوردار است، بررسی هر یک از این موضوع‌ها از دیدگاه امام علی علیه‌السلام و نهج البلاغه قابل توجه و قبول است. در این میان، مطلب مهمی که در بررسی مسایل تربیتی در سخن و سیره مولا علیه‌السلام از ارزش ممتازی برخوردار است مباحث تربیت اجتماعی - سیاسی است که با ملاحظه اوضاع اجتماعی و موقعیت ویژه حکومتی آن حضرت درخور ارزیابی دقیق‌تر و دارای زمینه بیش‌تر در سنت آن امام علیه‌السلام است؛ چه اینکه درگیر شدن حضرت در دوره اخیر عمر با امر حکومت و مسایل اجتماعی و سیاسی، موجب طرح ایده‌ها و اندیشه‌های فراوانی در این ساحت شده است. نگرش و زاویه دید اجتماعی در جای جای نهج البلاغه و سیره امام خودنمایی می‌کند و عنایت به طرح مبانی و اصول و نیز شیوه‌ها و روش‌های تربیت اجتماعی و سیاسی در آن به روشنی نمایان است.

حضرت در کلام و سیره حکومتی خویش علاوه بر اعمال مدیریت، سیاست و زمام‌داری، همواره درصدد تربیت هم بوده است و تربیت شهروندان در روابط اجتماعی بر مبنای اسلام، به طور ویژه مورد اهتمام ایشان بوده است. از این رو بخش مهمی از مباحث در قلمرو «تربیت و

سیاست»، «وظایف و اختیارات حکومت در تربیت دینی»، «الگوی شهروندی در نگرش اسلامی» و مانند آن، از منبع گفتار و رفتار امام علی علیه السلام قابل پژوهش است.

۵. در مواجهه با هر متن دینی و از جمله نهج البلاغه، دو رویکرد تفسیری امکان دارد:

۵.۱. در رویکرد اول بر اساس اصول و قواعد معتبر و شیوه‌های متنوع تفسیر متن و فارغ از مطالعه پیشین هر نظریه و فرضیه‌ای، در حد امکان به بررسی متن پرداخته می‌شود و مدلول و محتوای آن به دست آورده می‌شود؛ این روش و رویکرد، بر پایه همان مفاهیم درون متن و تقسیم و تنظیم آنها استوار است.

۵.۲. در رویکرد دوم مفاهیم و نظریه‌های مطرح در حوزه‌های گوناگون معرفت بشری، بر متن دینی عرضه می‌شود و تلاش به عمل می‌آید تا موضع متن دینی در آن زمینه استخراج شود.

این رویکرد تفسیری، اولاً قابل جمع با رویکرد اول بوده و می‌توان نتایج این رویکرد را با حاصل آن رویکرد هماهنگ نمود و ثانیاً موجب شکوفایی بیش‌تر معانی متن می‌شود. مثلاً تئوری معینی در روانشناسی، علوم تربیتی، اقتصاد و... هنگامی که بر متون دینی عرضه شود، این نگرش مقایسه‌ای عرصه‌های نوینی در برابر معرفت دینی قرار می‌دهد. چنانچه یک مکتب خاص تربیتی را با اصول و قواعد و مفاهیم آن از موضع متن نهج البلاغه و دین مورد ارزیابی قرار دهیم، آنگاه می‌توانیم موقف موافق، مخالف یا مشروط دین را به چنگ آوریم و از این رهگذر، بر غنای معرفت دینی بیافزاییم.

این روش با آنچه مرحوم شهید صدر در مباحث تفسیری «روش موضوعی» نامیده‌اند<sup>۱</sup>، قرابت دارد؛ البته کاربرد این روش باید هماهنگ با نتایج رویکرد معتبر اول باشد و با دقت تمام سعی شود تا از تحمیل نظرات شخصی و دیدگاه‌های مکاتب بر متن و تفسیر به رأی پرهیز گردد.

از زاویه این رویکرد، بسیاری از مسایل، تئوری‌ها و مفاهیم مهم تعلیم و تربیت و هر علم انسانی دیگری را می‌توان بر نهج البلاغه و متون اسلامی عرضه کرد و معارف نوینی را استحصال نمود.

۶. در خصوص اقتضائات تربیتی گزاره‌هایی که درباره دین و دنیا در متون دینی وارد شده است، باید گفت که از این گزاره‌ها دو گونه استنباط می‌توان داشت: مستقیم و غیر مستقیم.

استنباط مستقیم این است که کشف مدلول مطابقی یا التزامی یک گزاره دینی به مثابه یک قاعده و قانون تربیتی (اعم از تجویزی یا توصیفی) مد نظر باشد؛ اما استنباط غیر مستقیم مبتنی بر نوعی استکشاف عقلانی و نظری و فراتر از مدلول‌های لفظی است. به تعبیر دیگر، استنباط نوع اول، استنباط لفظی است که در دامنه و محدوده دلالات الفاظ، استنباط می‌شود و استنباط نوع دوم، از محدوده دلالت‌های لفظی بیرون است.

قواعد استنباط نوع اول در مباحث الفاظ مورد توجه قرار می‌گیرد (مباحث الفاظ در محدوده



دلالت‌های مطابقی، تضمینی و التزامی) اما نوع دوم استنباط در محدوده مباحث مربوط به ملازمات عقلیه و مستقلات عقلیه است.<sup>۱</sup> تفکیک این دو و توجه به حدود و قواعد این دو نوع استنباط در آموزه‌های دینی تربیتی اهمیت فراوان دارد. البته دامنه هر یک از این دو بحث فراگیرتر از خصوص احکام تجویزی است و در گزاره‌های دیگر هم قابل جریان است.

۷. مطلب دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که نوع دوم از دو نوع استنباط نامبرده، یعنی استنباط عقلی و نظری بر مبنای گزاره‌های وارد شده در متون دینی در حوزه تربیت یا حوزه‌های دیگر علوم اجتماعی و انسانی به شیوه‌ها و انواع مختلفی امکان‌پذیر است:

۷.۱. یک شیوه این است که مجموعه‌ای از گزاره‌های توصیفی مبنا قرار گیرد تا به گزاره‌هایی تکلیفی دسترسی پیدا شود؛ به عنوان مثال، توصیفات، تمثیلات و تشبیهاتی که در متون دینی در مورد دنیا وارد شده است، استخراج می‌شود و این گزاره‌های توصیفی و در واقع گزاره‌های «واقع نما» مبنایی می‌شود برای این‌که انسان درباره تربیت به یک رشته گزاره‌های تکلیفی و تجویزی دسترسی پیدا کند. یا مثلاً در قرآن و دیگر متون دینی در مورد خانواده و فلسفه تشکیل آن صحبت شده است؛ مثل این‌که خانواده برای سکون و آرامش و مودت و رحمت است؛ با تحلیل این گزاره‌ها می‌توان به تکالیف و دستوراتی درباره تربیت خانوادگی دسترسی پیدا کرد و به عبارت دیگر از نوع مدلی که در باب خانواده به لحاظ توصیفی در متون دینی ترسیم شده است، به یک رشته دستورها و تجویزها و قواعد عملی رسید. این در واقع عبور از گزاره‌های توصیفی به پاره‌ای از دستورها و تجویزهای عملی است که البته در متون دینی احیاناً به این دستورها و تجویزهای عملی در مقام تربیت تصریح نشده است و حتی مدلول التزامی آن‌ها هم نیست؛ اما توصیف‌ها و گزاره‌های واقع نما به گونه‌ای است که با این تجویزها و دستورات تربیتی ملازمه دارد؛ البته باید ملازمه، ملازمه‌ای صریح و روشن باشد.

۷.۲. نوع دیگر استنباط، درست بر عکس نوع اول است، یعنی عبور از تجویزها به توصیف‌ها است. کنار هم گذاشتن پاره‌ای از تجویزها و دستورهای عملی و احکام فقهی یا اخلاقی، ما را به یک قاعده توصیفی می‌رساند. به عنوان نمونه، وقتی به آدابی که در متون دینی برای معلم یا متعلم ذکر شده مراجعه می‌کنیم، از این مجموعه دستورها، رهنمودها و توصیه‌ها، به مبنای توصیفی رهنمون می‌شویم مانند این مبنا که مثلاً این آداب با معلم محوری سازگار است یا با متعلم محوری یا مبنای دیگر.

در واقع یکی از مصادیق روش نظام سازی که در کلمات مرحوم شهید صدر هم آمده<sup>۲</sup> است

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مباحث ملازمات عقلیه در «اصول فقه» مظفر و «حلقات» شهید صدر و «تقریرات فارسی درس خارج اصول» حضرت آیه‌الله فاضل لنکرانی.

۲. ر.ک: مقدمه شهید صدر در کتاب «اقتصادنا».

همین روش است. البته شرط مهم گذار از تجویز به توصیف، این است که این مجموعه گزاره‌های تجویزی بدون آن توصیف‌ها، قابل پذیرش و تعقل عندالعقلاء نباشد.

۷.۳. نوع دیگر این است که ما از قواعد و نمونه‌های جزئی به یک قاعده کلی برسیم، به عنوان مثال در فقه وقتی به روایات و متون روایی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم در موارد فراوان احکام ضروری نفی شده است، در موارد فراوان در امور مشکل به قرعه ارجاع شده است و... این جا گفته می‌شود که ما می‌توانیم از این موارد جزئی به یک قاعده کلی برسیم، به شرط اینکه تکرار موارد جزئی به حدی باشد که شخص مجتهد به آن قاعده کلی مطمئن شود. یک استقراء ناقص معمولی در سطح پایین نمی‌تواند ما را به آن توصیف یا تجویز کلی بوساند، بلکه باید این استقراء، شمول نسبی داشته باشد و تکرار جزئیات نسبتاً زیاد باشد تا براساس حساب احتمالات یا قواعد دیگر، بتوان از آن جزئیات به قاعده کلی رسید. در مسایل تربیتی نیز ممکن است ما از یک مجموعه گزاره‌های جزئی به یک قاعده تربیتی کلی برسیم. مثلاً از توصیه‌های جزئی فراوانی که به قشر معلم در خصوص نحوه برخورد با زبردستان شده است، به این قاعده برسیم که حفظ کرامت متعلم لازم است.

به تعبیر دیگر می‌توان گفت که در این روش‌ها ما به نوعی از متن به ماورای متن عبور می‌کنیم که این خود، گاهی عبور از مبانی یا اهداف یا اصول به سمت روش‌هاست یا از اهداف به اصول یا از اصول و روش‌ها به مبانی، البته گاهی هم از مشاهده روش‌ها به اصولی می‌رسیم و از آن‌ها به مبانی و اهداف دسترسی پیدا می‌کنیم.

همه این‌ها مشروط به این است که ما ساده‌انگاری نکنیم و ملازمه عقلایی، قابل اعتماد و اتکا موجود باشد نه برداشت‌های سطحی و ملازمه‌های غیر معتبر.

۸. نکته روش شناختی دیگری که در این جا می‌توان به آن اشاره کرد، این است که آیا می‌توان روش‌های علمی و شیوه‌ها و فنون جزئی که احیاناً در متون دینی نیست را دینی تلقی کرد و آن‌ها را به دین منتسب نمود؟ این سؤال مهمی است که در استکشاف نظام تربیتی اسلام از جایگاه مهمی برخوردار است؛ چون به هر حال ممکن است بسیاری از اصول و روش‌ها و قواعد در حوزه علوم اجتماعی و انسانی باشد که در متون دینی نیامده است و به هیچ یک از شیوه‌های گذشته قابل استنباط و استخراج نیست، آیا می‌توان این‌ها را به دین منتسب کرد و حکم دینی برایش صادر نمود یا نه؟ پاسخ این است که امکان چنین کاری هست، اما با عنوان ثانوی؛ در واقع، بعضی از روش‌ها و شیوه‌های تربیتی و اخلاقی را می‌توان از خود متون به شیوه اول یا دوم بحث قبل استفاده کرد که از آن به عنوان «روش‌های تربیتی» یاد می‌کنیم. اما آن بخش از روش‌ها، اصول و قواعدی که در تجربه بشری آمده است ولی در متون دینی نیست، در واقع در

منطقه الفراغ<sup>۱</sup> نظام تربیتی قرار می‌گیرند و اگر تجربه بشری به صورت واضح و روشن و مدلل آن‌ها را برای رسیدن به اهداف مطلوب، مناسب بداند ما به عنوان ثانوی از آن‌ها به «روش‌های دینی» تعبیر می‌کنیم؛ چون برای رسیدن به اهداف مطلوب و مستحسن باید بهترین روش را انتخاب کرد. از این رو آن‌ها را نیز می‌توان به عنوان ثانوی روش دینی تلقی کرد، به این معنا که این حکم بر ذات آن روش بار نیست و ممکن است در گذر زمان تغییر کند.

۹. نکته دیگری که در استنباط قواعد تربیتی توجه به آن لازم است، حدود دلالت و سکوت متون دینی از یک امر اخلاقی - تربیتی یا اجتماعی یا اقتصادی است. از این سکوت چه مقدار می‌توان استفاده جست و بهره‌های دینی برد؟ منطقه سکوت (منطقه الفراغ به تعبیر شهید صدر) در واقع منطقه رها شده از ناحیه شرع است که علی القاعده نشان دهنده این است که شرع برای آن به عنوان اولی، اعتبار قایل نبوده است که در این موارد بایستی به دستاوردهای عقل و تجربه بشری به شرط سازگاری نتایج آنها با مفاهیم و احکام دینی روی آورد. مطلبی که لازم است در اینجا بر آن تأکید شود این است که دو گونه «قلمرو سکوت» در «منطقه الفراغ» قابل تصور است: الف. منطقه الفراغ در احکام و گزاره‌های تجویزی. مقصود مرحوم شهید صدر از این اصطلاح همین معناست و منطبق است بر حوزه «مباحات» بطور عام یا «مباحات اقتضائی»؛ در این قلمرو، دین مستقیم و اولاً و بالذات الزام و ترجیحی ندارد، اما در شرایط ویژه‌ای با قواعد عمومی و عناوین ثانوی امکان دارد الزام و ترجیح به وجود آید.

ب. منطقه الفراغ در گزاره‌های توصیفی. این معنا در کلام مرحوم شهید صدر منظور و ملاحظه نشده است؛ در نگاه به متون دینی پاره‌ای از گزاره‌های در باب انسان و جهان یافت می‌شود اما ساحت‌های زیادی مورد سکوت است و در آن زمینه عقل و دانش بشری در فرآیند مستمری به گزاره‌های فراوانی دسترسی می‌یابد، بر اساس قاعده، دین به آن عرصه نظری ندارد؛ مگر آنکه با ملازمات و استلزامات با گزاره‌های دینی رابطه مثبت یا منفی داشته باشد.

۱۰. نکته دیگر، در مباحث روش شناختی استنباط آموزه‌های تربیتی، مسئله اولویت‌ها و تعیین اولویت‌های تربیتی یا اخلاقی در متون دینی است. به هنگام طراحی یک نظام تربیت دینی، به اصول روش‌هایی دسترسی پیدا می‌کنیم، اما این که کدام یک از این اصول و روش‌ها یا قواعد از جایگاه برتری در تربیت دینی برخوردارند، سؤالی است که همواره مورد توجه بوده است. در این رابطه، اولین مسئله راه تشخیص اولویت و درجه‌بندی اولویت‌ها است که از چند طریق امکان‌پذیر است:

۱. توضیحات بیشتر درباره مفهوم و محدوده منطقه الفراغ در مبحث منطقه الفراغ شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» و مباحث خارج فقه‌التربیه نگارنده (ارایه شده در مرکز مطالعات تربیت اسلامی سال تحصیلی ۷۸-۷۹) آمده است.

۱۰۱. راه ساده و اولیه همان بررسی میزان تکرار موضوع در متن است که در مباحث تحلیل محتوای امری از آن به «فراوانی» یاد می‌شود. توجه چندین باره به یک مؤلفه یا عامل یا قاعده، نشان دهنده اهمیت آن در فرهنگ متکلمی است که آن سخنان را گفته است. مثلاً در قرآن، فراوانی توجه به معاد یا توحید، نشان دهنده اولویت این اصل‌ها در مقام تربیت است.

۱۰۲. راه دیگر این است که در متن معتبر دینی، به بنیادی بودن آن قاعده و اصل تصریح شده باشد. مثلاً امر به معروف و نهی از منکر به لحاظ فراوانی در آیات قرآن یا روایات، ممکن است در حد زکات یا چیز دیگری نباشد، اما در یک یا چند متن معتبر بر اهمیت و بنیادی بودن این اصل و قاعده تأکید شده است.

۱۰۳. هم‌چنین ممکن است بر اهمیت یک قاعده به صورت تصریحی در متنی برنخوریم، اما وقتی آن را به صورت روشن و در یک ساخت و استنباط قابل اعتماد تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم که آن قاعده جنبه بنیادی و نقش کلیدی دارد. این نوع سوم هم می‌تواند ملاکی برای اولویت‌گذاری باشد.

قواعد و نکات دیگری نیز در روش‌شناسی استنباط آموزه‌های تربیتی از متون دینی وجود دارد که بحث از آن را به زمان دیگری موکول می‌کنیم.

بدیهی است نکاتی که در این نوشتار کوتاه در باب روش‌شناسی استنباط تربیتی از متون دینی بویژه سیره و کلام امام علی علیه السلام مطرح شد می‌توانند با ذکر شواهد و مثال‌های متعدد از چگونگی رعایت آنها در تحقیقات تربیتی بر اساس متون دینی تفصیل بیشتری یابند.

امید است پژوهشگران تربیتی و صاحب نظران علاقمند به بهبود تحقیقات تربیت اسلامی با توجه به این نکات روش‌شناختی و تکمیل آنها به بررسی روش‌شناختی و ارزیابی انتقادی مباحثی پردازند که در صدد آرایه برداشت‌های تربیتی از نصوص دینی بخصوص منبع غنی و کم‌نظیر سیره و کلام امام علی علیه السلام هستند.